

بقلم آقای محمد جناب زاده

مدیر نامه ندای آسمانی

## روان شناسی در فرهنگ اسلام

روان شناسی یکی از علومی است که امروز در فرهنگ و اصول تعلیم و تربیت نفوذ یافته و میخواهد مقام اصول تدریس و پداگوژی شود به بر اثر نتایج خوبی که از توجه به معرفت النفس حاصل گردیده پزشکان نیز به نوبه خود از روان شناسی استفاده های شایانی در تداوی بیماران بویژه مبتلایان با امراض روحی تحصیل مینمایند.

آثار گرانبها و درخشان علم النفس در آموزش و پرورش و پزشکی میدان را برای شعبده بازان و شیادان باز کرده و کم کم خدمات داناان تعلیم و تربیت و پزشکان از طریق روان شناسی فرصت داده که دجالان هم بنوبه خود مانند همه علوم و صنایع و موازین عقلی و معنوی - دکان باز کنند و بساط عقیده بسحر و جادو و غیب گوئی و پیش بینی و رمالی و قیافه شناسی را بگسترانند و طبقه عوام و زنان را بسوی خود بکشانند و روی عجز و ضعف بشری هم احیاناً عقلا و داناان را صید کنند.

از لحاظ علمی روان شناسی و استفاده از قوه تلفین و تمرین پایه و اساس صحیحی دارد و همانطور که نور و ظلمت در عالم اضداد از هم جدا و حقیقت و مجاز در نظر ارباب بصیرت روشن است هیچگاه فروغ و ربا و سالوس و شعبده چای راستی و درستی و معرفت را نمیتواند بکیرد و وقتی فروغ دانش و بینش بر تو افکن شد جهل و تاریکی و نادانی از میان میرود و اگر چند روزی راهزنان و اهریمنان میل عوام را بدست آورند بالاخره علم بر جهل غالب و پیروز خواهد شد.

منظور از این بحث اهمیت روانشناسی در فرهنگ اسلام است

کسانیکه با معارف دینی سروکار دارند میدانند پی بندی فرهنگ اسلام با بنیان قوی بیلا آمده و مسائل و موضوعهایی که از لحاظ عامی در دنیای متمدنی کسب اهمیت کرده است

در علوم و فنون اسلامی اصول و مبانی آن وجود داشته است  
البته يك نکته قابل بیان است که تعلیم و تربیت دینی مانع قوی برای پیدایش غالب  
امراض روحی و بدنی بوده است و اگر فرهنگ اسلامی به بسیاری از موضوعها و مسائلی که  
آموزش و پرورش دنیای فعلی بآن اهمیت میدهد توجه نداشته از این لحاظ بوده که احکام و  
مقررات و اندرزهای دینی ریشه علل ایجاد این موضوعها و مسائل را که باید گفت از عیوب  
مدنیت و مخالف فطرت انسانی است از بیخ و بن خشک کرده است.

تداوی روحی از اصول اساسی تعلیم و تربیت اسلامی است و معرفت النفس فصل قابل  
اهمیتی در فصول آموزش و پرورش دینی میباشد.

مصادری که باید در این موضوع مورد مطالعه قرار داد عبارتند از تاریخ الحکماء  
ابن قفطی و رساله در فهرست کتب محمد بن ذکریاء رازی، تالیف ابو ریحان بیرونی، کتاب  
عیون الانبیاء فی طبقات الاطباء نگارش ابن ابی صیبیه، کتاب طب روحانی تالیف ابی بکر محمد بن  
ذکریا رازی (متوفی ۳۲۰ هـ) کتاب طب روحانی ابی اسحاق ابراهیم بن یوسف شیرازی (متوفی  
۴۷۶ هـ) کتاب الافوال الذهبیه لکرمانی (حمیدالدین احمد بن عبدالله الکرمانی ملقب به  
حجت العراقین) کتاب طب روحانی تالیف رازی مشتمل بر بیست فصل است و مهمترین فصول  
که مورد بحث از نظر روانشناسی است فصل اول در فضیلت عقل و فصول دیگر مبارزه با هوی  
و هوس، عشق، غرور و حسد، تندی و غضب، بخل، اندوه و طمع، هضار نوشابه از لحاظ فساد  
جسم و جان - جاه طلبی و فرق احساسات با عقل، اخلاق فاضله و ترس از مرگ است.

کرمانی در بعضی موارد بر رازی خرده گرفته و در هر صورت بین دانشمندان اسلام  
که در این باب بحث نموده اند مناظرات و قبول و رد فراوان که همه بر اصول علم و منطق  
استوار است بر حالات موضوع میافزاید.

حکمای اسلام بر اساس موازین قرآن عیوب نفسانی را از لحاظ اخلاق و بر پایه  
معرفت النفس مورد مطالعه قرار داده اند و شك نیست که آنها فطرت آدمی را پاک و روحانی  
میدانند و عوارض را از جمله صفات اکتسابی می‌شمارند و بر اساس شریعت حقه که کل مولود  
یولد علی الفطره ثم ابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه مکتب تحقیق و تدقیق خود را در علم  
النفس گشوده اند.

خوی حیوانی یا از مجاری طبیعی و یا تحت تاثیر محیط در آدمی نفوذ و رخنه می کند و از ذاتیات انسانی نیست بنا بر این اصلاح خانواده در اجتماع مطابق اصول اسلام تاثیر عواطف حیوانی و فساد جامعه را در افراد مانع میشود یا بطور کلی اگر نتوان بعلل موانع تاریخی و عوامل سیاسی و جزر و مدهای اجتماعی ( که خود در علم الاجتماع و سوسپولوژی بحث جداگانه می دارد ) از نفوذ مفسد در طبایع صافی افراد جلوگیری کرد مسلم است که تعلیم و تربیت صحیح باین منظور غائی و عالی کمک میکند .

روان شناسی در فرهنگ مادیون و مائریالیست ها با معرفت النفس دینی مغایرت دارد زیرا مادیون همیشه متوجه تاثیر خاص ذاتی و شیمیائی و آثار فیزیکی اجسام نامیه و موجودات هستند در صورتیکه فرهنگ اسلامی در ماوراء ماده و در ذرات ماده يك قوه ربانی و آسمانی قائل است که میتوان گفت در عین حال که ناپیدا است محسوس است و در همان حال که محسوس است ناپیدا میباشد .

بقول صاحب بن عباد ( فکا نما قدح ولاخمر فکا نما خمر ولاقدح )

مهمترین فصل روان شناسی و طب روحانی در فرهنگ اسلامی بحث در چگونگی ( عقل ) است .

فلاسفه مادی و روان شناسان در قاموس خودشان عقل را عبارت از اجتماع نیروهای حیاتی در مرکز واحدی میدانند و هر چند در این بحث اختلافات میان آنان زیاد است ولی در هر حال با سبک تحقیقات و متد حکمای اسلام تفاوت بسیار دارد .

رازی در فصل عقل میگوید ( ان الباری عز اسمه انما اعطانا العقل و حیانا به لننال و تبليغ به من المنافع العاجله والاجله غاية في جوهر مثله انيله و بلوغه ) .

حمیدالدین حجت العراقین کرمانی میگوید ( هو اعظم نعم الله عندنا و به ننال من منافع دنیانا و اخرتنا غایت ما لنا ان تناله )

فرهنگ اسلامی عقل را مجرد از جسم و از مواهب الهی می شمارد و معتقد است که این فروغ خدائی آدمی را از حیوان جدا میکند و با راهنمایی او زندگی را سعادت مند و عیش را گوارا و در مراتب علم و صنعت و دانش ینش را بمرحله کمال میرساند .

مائریالیست ها عقل را مانند شهوات از خواص ترکیبات شیمیائی بدن میدانند و در این عقیده فروید اطریشی که مکذب جدیدی را در معرفت النفس باز کرده اساسا افکار و

موجودیت عقلی و صنعتی و علمی و خوب و بد افعال آدمی را از نتایج فعل و انفعال غرایز نفسانی و شهوانی میدانند و میگویند عقاید و تراوشهای عملی و عامل همه حرکات و عشق به هنر و زیبایی و همه تظاهرات آدمی از کانون شهوات سرچشمه میگیرد بنا بر این فاصله میان معرفت - النفس اسلامی یا مکتب فروید و شاگردان او خیلی زیاد و قابل ربط و اقتران نمی باشد ولی اگر اثر این دو روش را بخواهیم در منطقه عمل و محسوسات تماشا کنیم يك نظر سطحی به اوضاع اخلاقی دنیای خودمان که جولانگاه شاگردان مکتب فروید است حقیقت را در نظر ما مجسم میدارد و نشان میدهد که کدام يك از این دو مکتب - دین و تمدن - بحال سعادت و سلامت و نشاط و آرامش زندگانی جامعه انسانی سودمند است - این سخن بگذار تا وقت دیگر بالجمله عقل در نظر حکماء اسلام عبارت از قوه ای است که آدمی را از بهائم و مجانین جدا میکند و به سبب او افعال عقلیه قبل از ظهور در حواس به قوه تصور درمیآید و نیک و بد را میشناسد و تمیز میدهد و هوی نفس بر او غالب نمیشود و بزنگانی مادی و معنوی آدمی طراوت و سعادت می بخشد

طب روحانی هدف و مطالب خود را اصلاح اخلاق و رفع عوارض و امراض نفسانی و روحانی قرار داده رازی هوی نفس را چنین معنی میکند (ان الهوی و الطباع یدعوان ابداء الی - اتباع اللذات الحاضره و اثارها من غیر فکر ولانهدرویه فی عاقبه و یحشان علیه و بمجلان الیه وان کان جالب لالام من بعد وما نعمان الله

هوی و هوس آدمی را بدون اراده و فکر و عاقبت اندیشی بسوی لذات میکشاند و ایشان را از توجه بدرد و ریج و وخامت امر دور میسازد چنانچه افرادی تحت تاثیر شهوات منهمک شده با قدرت و توانائی ترك آنها ندارند و آنکه دل را بدام پریرویان هر جائی و میکساری و سماع یا موسیقی میسپارد نجات او از این مهالك و ترك لذات زود گذر که جان و مال و شرف و عقل و تندرستی را بخطر میاندازند خود بخود دشوار و شاید امکان ناپذیر است (حجة العراقین) هم در این نظر با رازی موافق است و میگوید - فتعلیق قمع النفس هواها بذاتها الی متمتع کونه منها الا بیاعت من خارجها ترغیبا و ترهیباً بنابراین اگر محیط آزادی برای صرف اموال در راه هوی و هوس بوجود آید و آدمیان مانند دیگر جانوران بحال خود گذارده شوند تردیدی نباید داشت که غرایز حیوانی و عواطف جنسی بصورت نامنظم افراد را بسوی هلاکت میکشاند و تمرین

و تربیت فردی بی حاصل است و بهر اندازه در ذم هوی و هوس گفته شود کسیکه برای او استفاده از انواع لذات و شهوات بعد افراط آماده است در فکر عواقب سوء و فساد جسم و روح نخواهد بود و به شما خواهد گفت سخن درست و ایکن نمیتوانم دید که می خورند حریفان من نظاره کنم - از این لحاظ حکمای اسلام بر اساس احکام دین نظامات سیاسی خود را وضع کرده و معتقدند که تربیت فردی باید از تربیت اجتماعی آغاز شود و اصلاح اخلاق عمومی و جلوگیری از مناظر فریبنده که دواعی طباع و استبعاد و انقیاد آنها در راه شهوات است مقدم بر هر امری میباشد چنانچه در جلوگیری از بیماریهای واگیردار در عصر ما این روش معمول است قداما این روش را برای جلوگیری از سرایت امراض روحانی که سرعت نفوذ آن بیش از بیماریهای بدنی و عفونی است لازم میدانستند

آدمی مفسور اوضاع و احوال محیط است ، محققین علم و تربیت در عصر ما عوامل تربیت را خانه و خانواده ، مدرسه ، محیط میدانند و بر این سه عامل قوه نفسانی را هم افزوده اند و آنرا قویتر از عوامل سه گانه مزبور میشناسند

قوه نفسانی عوامل موروثی ، تربیت خانه و مدرسه و محیط را تجزیه و تحلیل میکنند و این قوه است که از اختلاط و امتزاج تعالیم و موثرات نیک و بد ایمان و عقیده و طرز فکر و اعمال و افعال را اکتساب و در خود حل مینماید

اگر ما قوه نفسانی را بسوی عقل بخوانیم تلقینات مستمر محیط و احتیاجات ضروری و لزوم همرنگی با جماعت را چه باید کرد ؟ و آیا قوه عقله زیر فشار محیط جای خود را بقوه نفسانی و قبول عادات اجتماع نخواهد داد ؟ بنابراین اصلاح محیط کمال اهمیت را دارد محیط فاسد قویترین افراد و خردمندان را زیر سیطره و نفوذ خود در میآورد

یقول ابی تمام علی انها الایام قد صرن کلها

عجائب حتی لیس فیها عجائب

در يك محیط فاسد که نظامات عقلی و دینی وجود ندارد یا از ارزش و اعتبار افتاده انواع رذایل و بدبختی ها و شهوات در آنجا ساری و جاری است و بهمین جهت دماغ های مستعد را بحرکت میآورد و بطوریکه می بینیم از خواندن مجلات عفت سوز بنیان زندگانی خانوادگی متزلزل تجمل پرستی هزینه های بیهوده در راه هوی و هوس عمومی میشود فخر و مباحات روی

